



A Model of Mahdavi Education Based on the Thought of Allameh Mesbah Yazdi: Explaining Foundations, Objectives, Principles, and Methods

Abolfazl Nikounazar  / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute
anikounazar@iki.ac.ir

Received: 2025/08/19 - **Accepted:** 2025/12/08

Abstract

Belief in a savior is a shared conviction among religions, which in Islam has crystallized in the doctrine of Al-Mahdawiyya. The importance of this doctrine necessitates the existence of a coherent educational model based on Islamic teachings in order to cultivate individuals with correct Mahdavi beliefs and immunity from doubts. The present study was conducted with the aim of explaining the foundations, objectives, principles, and methods of Mahdavi education from the perspective of Allameh Mesbah Yazdi, with a qualitative approach and in a descriptive-analytical manner. The findings of the study indicated that this educational model is founded upon foundations such as "the guardianship and imamate of Imam al-Zaman (may God hasten his reappearance)," "his oversight of deeds," and "his being the channel of divine grace." The ultimate objective of this education is the cultivation of a true and actualized awaiting individual, which is realized through principles such as "knowing the truth and acting upon it," "attention to the presentation of deeds to the Imam (may God hasten his reappearance)," "readiness to perform one's duty," and "striving to realize the government closest to Mahdavi governance." The methods of Mahdavi education also include "heartfelt connection with the Imam through supplication," "seeking intercession and requesting visitation," "learning lessons from past nations," "performing religious obligations and calling to righteousness," and "practicing responsibility-taking in the era of occultation."

Keywords: Mahdavi Education, Imam al-Zaman, Allameh Mesbah Yazdi, Constructive Waiting, Educational Model.

الگوی تربیت مهدوی مبتنی بر اندیشه‌های علامه مصباح یزدی: تبیین مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها

anikounazar@iki.ac.ir

ابوالفضل نیکونظر  / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

چکیده

اعتقاد به منجی، باوری مشترک در میان ادیان است که در اسلام با آموزه مهدویت تبلور یافته است. اهمیت این آموزه، وجود یک الگوی تربیتی منسجم مبتنی بر معارف اسلامی را برای تربیت افرادی با باورهای صحیح مهدوی و مصونیت از شبهات، ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت مهدوی از دیدگاه علامه مصباح یزدی، با رویکردی کیفی و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که این الگوی تربیتی بر مبانی‌ای چون «ولایت و امامت امام زمان (عج)»، «ناظر بودن ایشان بر اعمال» و «مجرای فیض الهی بودن حضرت» استوار است. هدف غایی این تربیت، تربیت منتظر حقیقی و فعلیت‌بخشی به هویت اوست که از طریق اصولی همچون «شناخت حقیقت و عمل به آن»، «توجه به عرضه اعمال به امام (عج)»، «آمادگی برای انجام وظیفه» و «تلاش برای تحقق نزدیک‌ترین حکومت به حاکمیت مهدوی» محقق می‌شود. روش‌های تربیت مهدوی نیز شامل «ارتباط قلبی با امام از طریق دعا»، «توسل و طلب زیارت»، «عبرت‌آموزی از امت‌های گذشته»، «عمل به تکالیف دینی و دعوت به صلاح» و «تمرین مسئولیت‌پذیری در عصر غیبت» می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت مهدوی، امام زمان (عج)، علامه مصباح یزدی، انتظار سازنده، الگوی تربیتی.

مقدمه

باور به ظهور منجی از جمله اعتقادات مشترک میان ادیان الهی است. در دین اسلام، این باور در قالب آموزه مهدویت مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای در اعتقادات مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، دارد. بر اساس این آموزه، فردی از نسل پیامبر اسلام ﷺ، در آخرالزمان ظهور کرده و زمین را، که از ظلم و فساد آکنده شده، سرشار از عدل و داد خواهد کرد. چنان‌که در حدیثی مشهور آمده است: اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مهدی ﷺ ظهور کند و زمین را همان‌گونه که از ستم و بیداد پر شده، از عدالت و دادگری لبریز سازد (حر عاملی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴).

اگرچه درباره مصداق مهدی موعود میان فرق اسلامی اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، اصل مهدویت مورد پذیرش تمام مذاهب اسلامی است. این باور، افزون بر ابعاد اعتقادی، تأثیرات عمیقی در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه تعلیم و تربیت بر جای می‌گذارد. چنان‌که شهید مطهری می‌نویسد: «آرمان قیام و انقلاب مهدی ﷺ یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان، گذشته از اینکه الهام‌بخش ایده‌ها و راهگشای آینده است، آئینه مناسبی برای شناخت آرمان‌های اسلامی نیز محسوب می‌شود. این نوید، ارکانی دارد که برخی فلسفی و جهان‌شناختی، برخی فرهنگی و تربیتی، و برخی دیگر سیاسی، اجتماعی و انسانی‌اند» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۵۰). اعتقاد به مهدویت همواره در میان متفکران و عموم مردم، به‌ویژه دین‌داران، جایگاه خاصی داشته است. از این رو هم می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای رشد و تعالی دینی به کار گرفته شود و هم ممکن است در اثر برداشتهای نادرست، به چالشی جدی تبدیل گردد.

تربیت مهدوی موجب تقویت امید، صبر و مبارزه با ظلم می‌شود. تربیت نسلی مهدوی لازمه شکل‌گیری جامعه‌ای است که در انتظار ظهور منجی و تحقق حکومت عدل الهی باشد؛ بدون تربیت چنین نسلی آمادگی فردی و اجتماعی برای ظهور فراهم نمی‌شود. تربیت مهدوی همچنین انگیزه خودسازی و تهذیب نفس را در افراد ایجاد می‌کند، به این صورت که منتظران تهذیب نفس می‌کنند تا شایسته همراهی با امام زمان ﷺ باشد. بنابراین، تربیت مبتنی بر آموزه‌های مهدوی ضرورتی انکارناپذیر است؛ رسیدن به چنین سطحی از تربیت، صرفاً از مسیر تجربه فردی یا پیروی از دیدگاه‌های غیردقیق و ادعاهای سطحی امکان‌پذیر نیست. اینجاست که وظیفه متخصصان تعلیم و تربیت، ارائه الگوهای مبتنی بر معارف اصیل اسلامی و دور از انحرافات فکری و خرافی است. یکی از منابع قابل اعتماد برای طراحی این الگوها، آثار و اندیشه‌های علما و متفکران دینی است. از آنجا که پژوهش در قلمرو تربیت به تأثیر و تأثر عوامل متعددی در موقعیت‌های پیچیده می‌پردازد، استفاده از الگوها می‌تواند در فهم روابط عوامل و پدیده‌ها مفید واقع شود. مفهوم الگو در خصوص تعلیم و تربیت، بر حسب

سطحی که در آن مورد نظر قرار گیرد، می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد. در بالاترین سطح می‌توان الگو را به انتزاعی‌ترین ایده سامان‌دهنده به جریان تعلیم و تربیت اطلاق کرد. در این حالت الگو را می‌توان همسنگ فلسفه تعلیم و تربیت دانست؛ زیرا ایده فلسفی خاصی در باب ماهیت تعلیم و تربیت است، به نحوی که سامان‌دهنده همه افکار و فعالیت‌هایی بوده که در سطوح پایین جریان دارند. در سطح میانی و فروتر می‌توان الگو را ناظر به طرح‌های انتزاعی دانست که تنظیم‌کننده یا هدایت‌کننده برنامه‌های آموزشی و درسی برای نظام آموزش و پرورش است (باقری، ۱۳۹۲، ص ۱۰). در این پژوهش، الگو چارچوبی مفهومی است که دربردارنده عناصر مرتبط از قبیل مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت مهدوی بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی می‌باشد. مراد از تربیت مهدوی ایجاد زمینه‌های مناسب برای مهدوی شدن متربی است. بنابراین فرایند تربیت انسان عبارت است از: پرورش و شکوفاسازی استعداد مهدوی شدن در انسان (حیدری کاشانی و آقاهرانی، ۱۳۹۲، ص ۶۴) علامه مصباح یزدی، ازجمله علمای برجسته معاصر، همواره دغدغه تربیت اسلامی را در سطوح رسمی (دانشگاهی و حوزوی) و غیررسمی (دروس اخلاق و تربیت فردی) داشته‌اند. برخی از مهم‌ترین فعالیت‌های ایشان عبارت‌اند از:

– تأسیس و مدیریت مراکز تربیتی و پژوهشی، مانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام که نقش

مؤثری در تربیت و آموزش در علوم انسانی، تربیت اسلامی و ارتقای مبانی فکری – اخلاقی داشته‌اند؛

– راه‌اندازی طرح ولایت برای آموزش اساتید و دانشجویان با هدف تعمیق مبانی اندیشه اسلامی و تربیت

اعتقادی نسل جوان؛

– تربیت شاگردان برجسته در حوزه‌های اخلاق، فلسفه، کلام اسلامی و تربیت دینی، توجه به روش‌های

عملی تربیت اخلاقی، ازجمله یادآوری معاد، غفلت‌زدایی، و استفاده از ظرفیت‌های محیطی، خانوادگی و

اجتماعی برای نهاده‌سازی ارزش‌های اسلامی؛

– تبیین فلسفه تربیت و انسان‌شناسی اسلامی با تأکید بر شناخت ابعاد وجودی انسان، هدفمندی تربیت، جاودانگی

روح، اصالت فطرت و تغییرپذیری تدریجی وجود انسان، به‌عنوان مبنای تربیت اسلامی (همتیان و همتیان، ۱۴۰۲)

آموزه مهدویت نیز در آثار علامه مصباح یزدی حضوری پررنگ دارد. علاوه بر اینکه کتاب مستقلاً با عنوان *آفتاب*

ولایت در حوزه مهدویت از ایشان به یادگار مانده، در بسیاری از آثار ایشان مباحث مربوط به مهدویت به صورت پراکنده

مطرح شده است. با توجه به اشراف به معارف اسلامی و تجربه عملی ایشان در حوزه اخلاق و تربیت، می‌توان دیدگاه‌های

ایشان را مبنای طراحی الگویی نظام‌مند برای تربیت مهدوی قرار داد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش توصیفی

– تحلیلی، به بررسی مبانی، اهداف، اصول، روش‌های تربیت مهدوی از دیدگاه علامه مصباح یزدی پرداخته است.

آموزه مهدویت از جهات گوناگون مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بخش عمده‌ای از این مطالعات با رویکردهای کلامی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انجام شده‌اند؛ اما در سال‌های اخیر، توجه به بُعد تربیتی مهدویت ظهور و بروز داشته است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده، برخی به بررسی بازنمایی آموزه مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی پرداخته‌اند. از جمله پژوهش‌های امینی و همکاران (۱۳۹۱)، که نشان دادند نمادها و مؤلفه‌های مهدویت در کتاب هدیه‌های آسمان، به‌طور جدی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. همچنین یافته‌های عبدالرحیمیان و همکاران (۱۳۹۹)، حاکی از آن است که محتوای مهدوی کتاب‌ها، از نظر کمی و کیفی، متناسب با نیازهای تربیتی دانش‌آموزان نیست. در مقابل، اسفندیاری (۱۳۹۷) نشان داده است که اصول طراحی پیام آموزشی در بخش‌های مرتبط با مهدویت، در دامنه مطلوب قرار دارد.

گروهی دیگر از پژوهش‌ها، به‌طور مستقیم به تربیت مهدوی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، پژوهش بقایی و همکاران (۱۳۹۲)، راهبردهای عملیاتی تربیت مهدوی را در سه سطح «مغزافزار»، «نرم‌افزار» و «سخت‌افزار» نظام تعلیم و تربیت تحلیل کرده و پیشنهادهایی از جمله: شناساندن سیمای واقعی امام زمان (عجله‌الله تعالی فرجه‌ه) ، اصلاح بینش‌های انحرافی، و طراحی محتوای متناسب با سطح درک مخاطب ارائه داده‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی مانند رضوی (۱۳۹۲)، موسوی (۱۳۹۲) و بنده کریم (۱۳۹۲)، میرجلیلی (۱۴۰۰) و انصاری و قلمکاریان (۱۴۰۱) نیز به بررسی ابعاد مختلف تربیت مهدوی پرداخته‌اند.

برخی مطالعات دیگر نظیر موسوی (۱۳۸۸) و شریف‌زاده و قاضی (۱۳۹۳)، بر دلالت‌های تربیتی مهدویت متمرکز بوده‌اند. نتایج پژوهش اخیر، بر ضرورت تأسیس نظام تربیتی بر پایه تعلیم و تربیت مهدوی در جامعه منتظر تأکید کرده است.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه تلاش‌های ارزشمندی در زمینه تربیت مهدوی صورت گرفته، اما اغلب این مطالعات یا به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محدود شده‌اند، یا مبتنی بر بنیان‌های نظری از منظر متفکران دینی معاصر نیستند. پژوهش حاضر با تمرکز بر آراء و اندیشه‌های علامه مصباح یزدی، درصدد است تا با رویکردی نظام‌مند، به تبیین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت مهدوی بپردازد و از این طریق، خلأ موجود در این حوزه را تا حدی برطرف سازد.

۱. یافته

۱-۱. مبانی تربیت مهدوی از دیدگاه علامه مصباح یزدی

در طراحی الگوی تربیتی توجه به مبانی ضروری است. نخستین دلیل برای ضرورت توجه به مبانی، پیشینی بودن آنها نسبت به سایر مؤلفه‌هاست. همان‌طور که در فلسفه علم نیز بیان می‌شود، هیچ دانشی فارغ از

پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه‌اش شکل نمی‌گیرد. تعلیم و تربیت نیز به‌عنوان دانشی ترکیبی و میان‌رشته‌ای، مبتنی بر اصول و مبانی‌ای است که از فلسفه، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، الهیات و اخلاق استخراج شده‌اند (داودی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۳۴). در تربیت مهدوی نیز، این مبانی نقشی بنیادین در تبیین اهداف، اصول و روش‌های تربیتی دارند. علامه مصباح یزدی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان و متفکران معاصر اسلامی، مجموعه‌ای از مبانی تربیتی را عرضه کرده است که به فهم و تبیین تربیت مهدوی کمک شایانی می‌کند. در این بخش، به بررسی مبانی تربیت مهدوی از منظر این اندیشمند اسلامی می‌پردازیم.

الف. ولایت و امامت امامان معصوم علیهم‌السلام

یکی از مبانی اساسی در تربیت مهدوی، اعتقاد به ولایت و امامت امامان معصوم علیهم‌السلام است. ایشان تمام مناصب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به‌جز منصب نبوت و رسالت را بر عهده دارند. ایشان منصوب از طرف خدا هستند، علم خدادادی دارند، معصوم از خطا و گناه‌اند، و به موجب ولایت الهی که بر همه مسلمانان دارند، اطاعت آنها همچون اطاعت خدا و رسول او بر همگان واجب است و برترین الگوی قابل پیروی برای انسان‌ها هستند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱).

علامه مصباح یزدی با تأکید بر جایگاه امامت در نظام اعتقادی اسلام، به تبیین این نکته می‌پردازد که وجود امام، چه در ظاهر باشد و چه در غیبت، برای هدایت بشر ضروری است و هرگونه تربیتی بدون شناخت و پذیرش ولایت امام ناقص خواهد بود. از این مبنا، اصولی نظیر لزوم شناخت امام، اطاعت از اوامر امام و زمینه‌سازی برای تحقق حکومت امام قابل استنباط است.

ب. غیبت امام زمان علیه‌السلام

غیبت امام دوازدهم، یکی از موضوعات محوری در مبحث مهدویت است. غیبت به‌معنای عدم حضور امام در عالم هستی نیست، بلکه به‌معنای عدم دسترسی عمومی به ایشان است. درعین حال امام زمان علیه‌السلام در دوران غیبت نیز نقش هدایت‌گری خود را به واسطه علمای ربانی، صالحان، و عنایات غیبی ایفا می‌کند. غیبت، آزمونی برای جامعه است؛ آزمونی در ایمان، استقامت، انتظار سازنده، و آمادگی برای ظهور. بر اساس این مبنا، تربیت مهدوی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که افراد در عصر غیبت نیز احساس حضور امام را درک کنند، مسئولیت دینی خود را فراموش نکنند، و در جهت آمادگی برای ظهور تلاش نمایند. انتظار، تنها در صورت فهم صحیح مفهوم غیبت و حضور معنوی امام، می‌تواند آثار حقیقی خود را در پی داشته باشد. با توجه به این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲).

ج. ولایت فقیه در عصر غیبت

از مبانی مهم دیگر در اندیشه تربیتی علامه مصباح یزدی، اصل ولایت فقیه در عصر غیبت است. «ولایت فقیه هنگامی مطرح می‌شود که مردم، برای رسیدگی به امور اجتماعی‌شان، به امام معصوم علیه السلام دسترسی نداشته باشند و به‌ناگزیر، برای حل و فصل آن امور، به کسی مراجعه کنند که از طرف ایشان نیابت داشته باشد. در این صورت، اطاعت از فقیه جامع‌الشرایط، در همان چیزهایی که اطاعتش از امام معصوم علیه السلام واجب بود، لازم می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۴۶). متربی باید بیاموزد که اطاعت از ولی فقیه در دوران غیبت، بخشی از اطاعت الهی است. به‌علاوه، ولایتمداری و مسئولیت‌پذیری اصول تربیتی ناشی از این مبناست.

د. امام زمان؛ مجرای فیض الهی

امام زمان علیه السلام همچون سایر امامان معصوم علیهم السلام، واسطه فیض الهی است؛ یعنی تمام برکات و نعمات معنوی و حتی مادی از طریق وجود مقدس ایشان به انسان‌ها می‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴). وجود مقدس ولی عصر علیه السلام، مجرای فیض الهی است و لحظه به لحظه عنایات و فیوضات آن حضرت بر بندگان خدا سرازیر می‌گردد و ازجمله بر اساس شواهد قطعی و اخبار متواتر، آن حضرت به وسیله علما و دوستان خود مردم را از امدادها و فیض‌های خود برخوردار می‌سازند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

این مبنا موجب تقویت رابطه قلبی و روحی با امام، و زمینه‌ساز ایجاد حس حضور، امید، و تضرع به درگاه الهی می‌شود. متربی می‌آموزد که ارتباط معنوی با ولی خدا، وسیله‌ای برای رشد، کمال، و رفع موانع تربیتی است. با توجه به این مبنا می‌توان اصل توجه و توسل به حضرت ولی عصر را استنباط کرد.

هـ. ناظر بودن امام زمان علیه السلام بر اعمال انسان‌ها

بر اساس معارف دینی، اعمال انسان‌ها بر امام عصر علیه السلام عرضه می‌شود. این باور که امام ناظر بر رفتار و افکار پیروان خویش است، جنبه‌ای اخلاقی و تربیتی دارد. علامه مصباح یزدی با تأکید بر این آموزه، آن را ابزاری قوی در تهذیب نفس و اصلاح رفتار می‌داند. این نظارت از سر محبت و هدایت است. امام، همانند پدری مهربان، رفتار بندگان را می‌بیند، از خطاهایشان رنج می‌برد و از پیشرفت آنها خشنود می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴). باور به نظارت امام، موجب افزایش خودمراقبتی و پرهیز از گناه می‌شود. این اصل تربیتی، با ایجاد حس حضور در محضر امام، متربی را به خویشنداری و تعهد اخلاقی تشویق می‌کند.

و. اشتیاق امام زمان علیه السلام به هدایت مردم

یکی از ویژگی‌های امام، دلسوزی و عشق شدید نسبت به هدایت مردم است. امام زمان علیه السلام، با علم کامل به مراتب کمال، مشتاق‌تر از خود انسان‌هاست که ایشان به سعادت برسند. این اشتیاق جلوه‌ای از رحمت الهی است

که در وجود امام جلوه‌گر شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳). از این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که مربی باید با امید به حمایت و راهنمایی امام، برای رشد و کمال همت کند. هیچ‌گاه نباید احساس تنهایی، طرد شدن یا بی‌پناهی داشته باشد؛ زیرا ولی‌خدا مشتاق نجات اوست.

ز. امام زمان عجل الله تعالی فرجه یگانه انسان کامل در عصر غیبت

در انسان‌شناسی دینی، جایگاه والایی برای انسان تصویر شده است که از آن با عنوان «خلیفه‌الله» یاد می‌شود. این مقام در قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته است (بقره: ۳۰). با این حال، خلافت الهی در واقع خاص انسان‌های کاملی، همچون پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و هر انسانی به صرف انسان بودن، لزوماً به این مقام دست نمی‌یابد. نمی‌توان پذیرفت که بزرگ‌ترین جنایت‌کاران بشری نیز مشمول این مقام باشند؛ بلکه این خلافت مربوط به انسان‌هایی است که «علم الأسماء» دارند، یعنی افرادی خاص که در رأس آنها، امام معصوم علیهم السلام قرار دارد و همواره حجت خدا بر روی زمین‌اند (ر.ک. رجبی، ۱۳۸۰). «بر پایه آیات قرآن، چون «خلیفه» در آیه با صیغه مفرد آمده، به وضوح نشان می‌دهد که در هر عصر تنها یک خلیفه و قطب وجود دارد» (ر.ک. حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲). این قطب، همان انسان کامل و امام معصوم است. از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، تنها امام معصوم است که در هر زمان انسان کامل حقیقی و معصوم می‌باشد و تسلیم در برابر غیر او، با آموزه‌های اصیل شیعه در تعارض است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۴).

با توجه به این اصل، در تربیت مهدوی باید اصل اطاعت مطلق فقط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه اختصاص یابد. هر کس دیگر که چنین ادعایی کند - مانند مدعیان یمانی، خراسانی، رابطان خودخوانده امام، یا مدعیان قطبیت - دعوت به باطل کرده است. تربیت درست مهدوی مانع افتادن در دام این‌گونه انحرافات خواهد بود. در نهایت، «تنها امام معصوم است که مجرای فیض الهی و صاحب ولایت مطلقه است و هر کس دیگر، هرچند کامل و عارف باشد، نهایتاً بهره‌مند از فیض امام است و نه جانشین او» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳۴).

در اندیشه علامه مصباح یزدی، تربیت مهدوی مبتنی بر مجموعه‌ای از مبانی است که محور اساسی این مبانی، امامت و ولایت الهی امامان معصوم علیهم السلام است؛ امام، استمرار ولایت الهی، حجت خدا و واسطه فیض است و تربیت بدون پذیرش ولایت او ناقص می‌ماند. در عصر غیبت، ایمان به حضور امام و نقش هدایتگری او، همراه با انتظار فعال و مسئولیت‌پذیر، روح تربیت مهدوی را تشکیل می‌دهد. در این چارچوب، ولایت فقیه به مثابه نیابت از امام در اداره جامعه و تربیت دینی ضرورت می‌یابد و اطاعت از فقیه جامع‌الشرایط جلوه‌ای از ولایت‌مداری است. باور به نظارت امام بر اعمال بندگان، شفاعت و اشتیاق او به هدایت انسان‌ها و نقش او به عنوان یگانه انسان کامل و قطب عالم امکان موجب می‌شود امید، توکل و تعهد اخلاقی در مربی ایجاد شود. در مجموع، تربیت

مهدوی از منظر علامه مصباح یزدی، فرایندی توحیدی و ولایت‌محور است که با معرفت امام، ارتباط معنوی با او، و آمادگی برای ظهور، به تحقق جامعه منتظر حقیقی و متعهد می‌انجامد.

۲. اهداف

طراحی هر الگوی تربیتی مستلزم تبیین دقیق ارکان و مؤلفه‌های سازنده آن است. در میان این مؤلفه‌ها، «اهداف» از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ چراکه جهت‌گیری کلی الگو، فرایند تربیت و نقطه مطلوب نهایی را مشخص می‌کند. بدون تعیین اهداف، سایر مؤلفه‌ها همچون اصول، روش‌ها دچار اشکال خواهد شد و فعالیت‌های تربیتی ممکن است دچار پراکندگی، سردرگمی و حتی تعارض شوند. اهداف مشخص، «شاخصی برای سنجش و ارزیابی میزان پیشرفت به سوی هدف» به دست می‌دهند (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۲). در متون مربوط به تعلیم و تربیت اسلامی و فلسفه تعلیم و تربیت، به انواع و حیطه‌بندی‌های گوناگونی برای اهداف اشاره شده است. یکی از دسته‌بندی‌ها تفکیک میان هدف نهایی (غایی) و اهداف غیرنهایی (واسطی یا میانی) است. «مقصود از هدف نهایی، آخرین مطلوب و مقصودی است که شایسته است به دنبال آن باشیم». ارزش این هدف، ذاتی است، اما «اهداف غیرنهایی به اموری اطلاق می‌شود که با آنکه شایستگی آن را دارند که مطلوب واقع شوند، اما خود واسطه‌ای برای رسیدن به هدفی بالاتر و والاترند و در نتیجه ارزش... آنها غیری است» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴).

هدف غایی تربیت مهدوی از دیدگاه علامه مصباح یزدی، تربیت منتظر حقیقی و فعلیت‌بخشی به هویت «منتظر حقیقی» است. این منتظر، کسی است که در تمام ابعاد وجودی، برای یاری، همراهی و اطاعت محض از امام زمان علیه السلام در استقرار حاکمیت جهانی عدل الهی، به آمادگی کامل و تراز دست یافته است. چنین منتظری، تجسم عینی معرفت، محبت و تسلیم است و تمام زندگی فردی و اجتماعی خود را در راستای ظهور تنظیم می‌کند. اهداف میانی که در ادامه می‌آیند، در حکم مراحل و ارکان ضروری برای تحقق این هدف غایی هستند.

۳. اهداف میانی

۳-۱. تحقق معرفت مبتنی بر ولایت نسبت به امام عصر علیه السلام

نخستین هدف، گذار مرتبی از شناخت شناسنامه‌ای و تاریخی امام زمان علیه السلام و رساندن او به یک معرفت عمیق‌تر نسبت به حقیقت وجودی و جایگاه تکوینی و تشریعی امام زمان علیه السلام است؛ یعنی مرتبی به حقیقت وجودی امام زمان علیه السلام آگاهی یابد و بداند که جایگاه ایشان در نظام هستی کجاست (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). این معرفت، سنگ‌بنای سایر اهداف میانی محسوب می‌شود. این هدف از «مبنای ولایت و امامت امامان معصوم علیهم السلام»

و «مبنای امام زمان علیه السلام به‌عنوان تنها انسان کامل عصر غیبت» اتخاذ می‌گردد. با توجه به این هدف دو اصل قابل استفاده است: اصل «معرفت امام به‌عنوان ولی» و اصل «شناخت حقیقت و عمل به آن».

۳-۲. ایجاد رابطه قلبی و شوق به امام زمان علیه السلام

پس از شناخت، هدف آن است که این معرفت به یک رابطه عاطفی تبدیل شود. این رابطه باید مبتنی بر محبت، امید و مهم‌تر از آن، یک اشتیاق دائمی باشد. این پیوند عاطفی، ریشه در مبانی‌ای دارد که امام را یک حقیقت زنده، حاضر و مهربان معرفی می‌کنند: «مبنای امام به‌عنوان مجرای فیض الهی»، «مبنای ناظر بودن امام بر اعمال» و «مبنای اشتیاق امام به هدایت مردم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷). این مبانی به تربی می‌آموزد که امام، واسطه همه برکات، پدری مهربان و ناظر بر رفتارها و مشتاق سعادت اوست.

مبتنی بر این هدف نیز اصولی را می‌توان اتخاذ کرد. یکی اصل «توجه و توسل مستمر به حضرت» مبتنی بر این هدف نیز اصولی را می‌توان اتخاذ کرد. یکی اصل «توجه و توسل مستمر به حضرت» و دیگری اصل «توجه به عرض الاعمال».

۳-۳. تحقق آمادگی همه‌جانبه برای اطاعت محض و یاری امام زمان علیه السلام

این هدف از مبنای «غیبت امام زمان» و «ولایت و امامت امامان معصوم علیهم السلام» استوار است. دوران غیبت، فرصتی برای تربیت انسان‌هایی است که خالص و خادجو باشند و این خلوص، نیازمند مجاهده و خودسازی است. اصول زیر را می‌توان با توجه به این هدف اتخاذ کرد: اصل «آمادگی برای انجام وظیفه و اطاعت بی‌چون و چرا» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶) و اصل «لزوم آمادگی همه‌جانبه برای یاری و جهاد».

۳-۴. زمینه‌سازی برای حاکمیت عدل از طریق حمایت از ولایت فقیه

تربیت مهدوی در اندیشه علامه مصباح یزدی علاوه بر رشد ابعاد وجودی فردی، هدفی اجتماعی و سیاسی دارد: تلاش برای استقرار و حمایت از نزدیک‌ترین الگوی ممکن به حکومت عدل اسلامی در عصر غیبت. این هدف مبتنی بر مبنای «ولایت فقیه در عصر غیبت» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۴۶) است. این باور که در غیاب امام معصوم، مسئولیت اداره امور اجتماعی بر عهده فقیه جامع‌الشرایط است، دوران انتظار را از یک خلأ حکومتی به دوره مسئولیت‌پذیری تبدیل می‌کند. اصل «تلاش برای تحقق نزدیک‌ترین الگوی حکومت به حاکمیت امام زمان علیه السلام» و «ضرورت تبعیت و اطاعت از ولی فقیه جامع‌الشرایط» با توجه به این هدف قابل استفاده است.

با تحقق این اهداف چهارگانه «منتظر حقیقی» تربیت می‌شود. منتظر حقیقی کسی است که با عقلی روشن به ولایت امام معرفت دارد و قلباً به او عشق می‌ورزد و در عرصه عمل، هم برای تهذیب نفس و اطاعت محض و هم برای جامعه‌سازی در صحنه حاضر است.

۳-۵. ارتباط مبانی و اهداف

در الگوی تربیتی اهداف باید از مبانی آن الگو استخراج شوند. در پژوهش حاضر، این ارتباط لحاظ شده است. اهداف تربیت مهدوی، هر یک ریشه در یک یا چند مبنا دارند.

هدف «تحقق معرفت مبتنی بر ولایت نسبت به امام» از «مبنای ولایت و امامت امامان معصوم (علیهم‌السلام)» و «مبنای امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌ش)» به‌عنوان تنها انسان کامل عصر غیبت» گرفته شده است. چون امام، ولی و حجت خدا و کامل‌ترین انسان است، اولین هدف تربیتی باید شناخت جایگاه ولایی او باشد.

هدف «ایجاد رابطه قلبی و شوق به امام (علیه‌السلام)» از مبانی ای‌نشئت می‌گیرد که چهره‌ای حاضر، زنده و مهربان از امام ارائه می‌دهند؛ یعنی «مبنای امام به‌عنوان مجرای فیض الهی»، «مبنای ناظر بودن امام بر اعمال» و «مبنای اشتیاق امام به هدایت مردم». وقتی مرتبی بفهمد که امام واسطه نعمت‌ها، ناظر بر رفتارها و مشتاق سعادت اوست، ارتباط عاطفی و قلبی با ایشان برقرار می‌کند.

هدف «تحقق آمادگی همه‌جانبه برای اطاعت محض و یاری امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌ش)» بر «مبنای غیبت امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌ش)» استوار است. غیبت، دوران آزمون و آماده‌سازی است. بنابراین، هدف تربیت در این دوران، رساندن فرد به آمادگی کامل برای یاری امام در زمان ظهور است.

هدف «زمینه‌سازی برای حاکمیت عدل از طریق حمایت از ولایت فقیه» از «مبنای ولایت فقیه در عصر غیبت» اخذ می‌شود. از آنجاکه در دوران غیبت، نزدیک‌ترین الگو به حکومت معصوم، حکومت ولی فقیه است، تلاش برای تحقق و حمایت از آن، یک هدف اجتماعی و سیاسی در تربیت مهدوی محسوب می‌شود.

۴. اصول

پس از بررسی مبانی تربیت مهدوی که به‌مثابه شالوده‌های نظری و اعتقادی الگوی تربیتی عمل می‌کنند، نوبت به استخراج و تبیین اصول حاکم بر آن می‌رسد. «اصول تربیت»، گزاره‌هایی با ماهیت «تجویزی» یا «انشائی» هستند (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۱). این گزاره‌ها، که از مقایسه و ملاحظه «مبانی» و «اهداف» به دست می‌آیند، متضمن «باید»ها و «نباید»های کلی هستند که به‌منزله قواعد عمومی و دستورالعمل‌های کلان (باقری، ۱۳۹۲، ص ۸۷)، عمل تربیتی را جهت‌دهی و تنظیم می‌کنند. اصول مشتمل بر سلسله‌ای از ضوابط و دستورالعمل‌های آموزشی - تربیتی‌اند که راهنمای اندیشه و عمل تربیتی قرار می‌گیرند (رهنمایی، ۱۳۹۴، ص ۷۷). این اصول برای درک چگونگی تربیت نسلی منتظر، فعال، و زمینه‌ساز ضرورت دارد.

۴-۱. تربیت بر مبنای انتظار سازنده

نخستین و شاید محوری‌ترین اصل در تربیت مهدوی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، بازتعریف و تصحیح مفهوم

انتظار است. تأکید بر آن است که انتظار نباید به معنای انفعال یا یک آرزوی قلبی برای رفع مشکلات شخصی باشد. انتظار واقعی و ارزشمند آن است که انگیزه انسان، پیروزی و گسترش اسلام و حاکمیت ارزش‌های الهی باشد و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را برای تحقق این آرمان متعالی بخواند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴). این اصل، جهت‌گیری اصلی تربیت مهدوی را از خواسته‌های فردی به اهداف متعالی تغییر می‌دهد.

اگر انتظار صرفاً برای رهایی از مشکلات شخصی، سختی تکالیف دینی یا ظلم ستمگران باشد، در حقیقت به حال خود دلسوزی کرده‌ایم و چنین انتظاری که از راحت‌طلبی و تنبلی نشأت گرفته باشد، فاقد ارزش است. در مقابل، انتظاری که ریشه در علاقه حقیقی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه و اشتیاق به عزت اسلام و مسلمانان و احیای احکام الهی داشته باشد، انتظار با ارزش و واقعی تلقی می‌شود. لازمه چنین انتظاری، آمادگی برای پذیرش حکومت آن حضرت و دستورات ایشان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۷). بنابراین مربی باید از هرگونه تربیت انفعالی، راحت‌طلبانه پرهیز کند و با گفتار، رفتار و برنامه‌های آموزشی خویش، روحیه مسئولیت‌پذیری، عشق به امام و دغدغه نسبت به سرنوشت اسلام را در مربی ایجاد نماید.

۲-۴. اصل پرورش روحیه تکلیف‌مداری در مربی

مربی در تربیت مهدوی باید فضای تعلیم و تربیت را به گونه‌ای شکل دهد که مربی بیاموزد در هر شرایطی، انجام وظیفه الهی را بر هر مصلحت یا نتیجه ظاهری مقدم بداند. او باید با گفتار و رفتار خود نشان دهد که ارزش انسان در انجام آگاهانه و خالصانه تکلیف است، نه در دست یافتن به پاداش یا نتیجه فوری.

از نگاه مهدوی، تکلیف‌مداری تنها به دوران غیبت محدود نمی‌شود؛ بلکه در دولت کریمه نیز، مؤمنان دعوت‌گران به طاعت خدا و پیشگامان در مسیر حق‌اند؛ چنان‌که در دعا آمده است: «وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴).

بر این اساس مربی باید با الگوسازی از رفتار تکلیف‌مدار، آموزش مسئولیت‌پذیری مربی را برای ایفای نقش مؤثر در تحقق اهداف الهی و در نهایت، مشارکت آگاهانه در حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه آماده سازد.

۳-۴. اصل تربیت مربی بر پایه باور به نظارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه (عرض الاعمال)

این اصل بر یکی از اعتقادات شیعه، یعنی آگاهی امام عصر عجل الله تعالی فرجه از اعمال شیعیان و عرض اعمال به ایشان، استوار است. «وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه ناظر اعمال ماست و بالاتر از همه، ذات مقدس حق تعالی شاهد اعمال ماست» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۷۹). این باور باعث می‌شود مربی در زمینه خودکنترلی و تهذیب نفس تلاش کند. چنان‌که در بخش مبانی گذشت امام علیه السلام از اعمال شیعیان آگاهند و این اعمال به صورت هفتگی یا روزانه به ایشان عرضه می‌شود. «این آگاهی باید مؤمن را بر آن دارد که کاری کند که موجب خشنودی

امام علیه السلام شود، نه مکدر شدن خاطر شریف ایشان. چه بسا بسیاری از اعمال مورد رضایت حضرت را با وجود آگاهی، به دلیل عدم سازگاری با هوای نفس، ترک می‌کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵).

این اصل مرتبی را نسبت به حضور دائمی یک ناظر آگاه و مهربان در زندگی توجه می‌دهد و منجر به افزایش مراقبت بر اعمال، اصلاح نیت، و تلاش برای جلب رضایت امام زمان علیه السلام می‌شود. «اگر بکشیم همیشه این حقیقت در ذهن ما باقی بماند که رفتار و گفتار و نیت‌های ما بر امام زمان علیه السلام پوشیده نمی‌ماند، همیشه دقت خواهیم کرد که گفتار و رفتارمان را کنترل کنیم و کارهایمان را هرچه بهتر و شایسته‌تر انجام دهیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

۴-۴. اصل پرورش روحیه اطاعت محض از امام زمان علیه السلام

اطاعت محض و بی‌چون‌وچرا از دستورات امام معصوم علیه السلام در زمان ظهور، یکی از اصول مهمی است که یاران واقعی ایشان باید ملتزم به آن باشند. این آمادگی، لازمه دوران انتظار دانسته شده است. این اصل یک تمرین عملی برای گذشتن از خواسته‌های نفس و دلبستگی‌های مادی در زمینه انجام تکالیف الهی است. «حال ما باید به گونه‌ای باشد که اگر امام زمان علیه السلام تشریف آوردند، آنچه به ما دستور می‌دهند، بدون چون‌وچرا پذیرا باشیم؛ آماده باشیم که در خدمت آن حضرت از مال و جان و همه دلبستگی‌های خود بگذریم و همه را در اختیار ایشان قرار دهیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶).

مری باید با تأکید بر خودسازی، و مجاهده نفس، مرتبی را به جایگاهی برساند که در مسیر تحقق اهداف الهی، اطاعت از امام را همواره بر خواسته‌های شخصی و دلبستگی‌های دنیوی مقدم بدارد. تقویت روحیه ایثار، پذیرش مسئولیت و پایبندی واقعی به دستورات دینی، از استلزامات این اصل است.

۴-۵. اصل توانمندسازی مرتبی برای یاری و جهاد

آمادگی برای یاری امام زمان علیه السلام، علاوه بر آمادگی قلبی، نیازمند کسب انواع توانمندی‌های لازم است. «قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)؛ هرچه از نیرو در توان دارید بسیج کنید. ما باید آمادگی‌های لازم را کسب کنیم؛ چراکه اگر ما آمادگی داشتیم دشمن عقب‌نشینی می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۵). در این زمینه سیره علمای گذشته جالب توجه است که در اوایل غیبت کبری برای آمادگی جهت یاری امام علیه السلام به تمرین‌های نظامی می‌پرداختند.

این اصل به معنای ضرورت تجهیز متربیان به انواع مهارت‌ها و توانمندی‌های جسمی، فکری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی است. قوت در اینجا مفهومی وسیع دارد و شامل هر آن چیزی است که جبهه حق را تقویت و دشمنان را تضعیف نماید (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۱).

۴-۶. توجه و توسل مستمر به حضرت ولی عصر علیه السلام

ارتباط روحی و معنوی با امام عصر علیه السلام از طریق توجه قلبی، دعا و توسل، یکی از ارکان مهم تربیت مهدوی است. گرچه توسل به اهل بیت علیهم السلام در هر شریطی مطلوب است؛ اما «انسان در هر زمان و هر عصری باید در درجه اول به امام همان عصر و زمان توسل جوید. در برخی از روایات اشاراتی شده است، به اینکه وقتی کسانی در زمان یکی از ائمه اطهار علیهم السلام، به امام دیگری توسل جسته‌اند، آنان را به امام همان عصر و زمان حواله داده‌اند. این مطلب گویای این است که در هر زمان توسل و توجه به امام همان زمان اهمیت خاصی دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴-۱۴۵).

تأکید این اصل بر بعد معنوی و عاطفی تربیت مهدوی است. تربیت‌یافتگان این مکتب، همواره خود را تحت عنایت امام عصر دانسته و از طریق دعا و توسل، ارتباط خود را با ایشان مستحکم نگاه می‌دارند. این امر به افزایش معنویت متربیان منتهی می‌شود.

۴-۷. اصل ایجاد و تعمیق شناخت ولایی در تربی

با استناد به حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۱، ص ۱۶۰)، مشخص می‌شود که معرفت امام در هر عصر ضرورت دارد. «شناختن امام عصر این نیست که آدم اسمش و اسم پدر و مادرش را بداند؛ بلکه به این معنا است که او را به ولایت و امامت بشناسد. او را ولی امر و واجب‌الاطاعه بداند؛ زیرا اگر نداند از چه کسی باید اطاعت کند، گمراه خواهد شد و آنگاه جامعه اسلامی به تفرقه و ازهم‌پاشیدگی تهدید خواهد شد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

تربیت مهدوی مبتنی بر این اصل، بر شناخت متربیان نسبت به مقام، شئون و اختیارات امام معصوم علیه السلام و نقش ایشان در نظام هستی و تشریع تأکید دارد. این معرفت، پایه و اساس محبت، اطاعت و یاری ایشان خواهد بود.

۴-۸. اصل هدایت تربی به شناخت و حمایت از نزدیک‌ترین الگوی حکومت به حاکمیت امام زمان علیه السلام

مربی در تربیت مهدوی مؤظف است متربیان را به گونه‌ای هدایت کند که ضمن شناخت مبانی حکومت مهدوی، نسبت به تحقق و حمایت از نزدیک‌ترین شکل حکومت به حاکمیت امام زمان علیه السلام احساس مسئولیت دینی و اجتماعی پیدا کنند. بر اساس معارف دینی، در دوران غیبت، وظیفه منتظران، تلاش برای پیاده‌سازی و حمایت از عادلانه‌ترین و اسلامی‌ترین شکل ممکن از حکومت است. «اگرچه تئوری ایدئال اسلام، حکومت واحد جهانی به رهبری امام معصوم علیه السلام است، اما در زمان عدم امکان تحقق کامل آن، باید به دنبال تحقق فرض‌های نزدیک‌تر به آن بود. از این رو حتی در زمان تسلط حکومت‌های جور، فقیهان تا حد امکان به اداره امور مؤمنان و اعمال بخشی از ولایت خود در قالب امور حسبه می‌پرداختند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۸). بنابراین باید حکومتی

شکل گیرد که رهبری آن بر عهده فردی باشد که از نظر علم، تقوا و عدالت، نزدیک‌ترین شخص به امام معصوم است (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷).

از این رو مربی باید در فرایند تعلیم و تربیت، روحیه مسئولیت‌پذیری سیاسی، بینش تشخیص نظام مطلوب‌تر، و انگیزه مشارکت در استقرار و حفظ حکومت اسلامی را در متربیان ایجاد کند. این هدایت تربیتی، زمینه‌ساز آمادگی جامعه برای پذیرش و حمایت از حکومت جهانی مهدوی است و مانع بی‌تفاوتی سیاسی و اجتماعی در دوران غیبت می‌شود.

۹-۴. ضرورت تبعیت و اطاعت از ولی فقیه جامع‌الشرایط

این اصل که از مبنای اعتقاد به ولایت فقیه در عصر غیبت نشئت می‌گیرد بر لزوم اطاعت از فقیه جامع‌الشرایط به عنوان نایب امام عصر علیه السلام در اداره امور جامعه اسلامی تأکید دارد. «ولایت فقیه جامع شرایط، فرع ولایت معصومان علیهم السلام است. ما در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فدا، ولایت فقیه جامع‌الشرایط را به وساطت حضرت، از طرف خدا می‌دانیم» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۵۷). «در دوران غیبت، رفتار ولی فقیه برای ما حکم رفتار امام معصوم علیه السلام را دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۲). تصمیم‌ها و دستورهای ولی فقیه که با هدف حفظ انسجام جامعه و مصالح اسلام و مسلمانان و با کمک متخصصان اتخاذ می‌شود، برای همگان الزامی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۲).

مربی در تربیت مهدوی باید رفتار، گفتار و روش‌های تربیتی خود را به گونه‌ای شکل دهد که مربی، ارزش تبعیت از ولی فقیه جامع‌الشرایط را درک کند و آن را بخشی از زندگی دینی و اجتماعی خود بداند. مربی با الگو شدن در اطاعت از رهبری الهی و نشان دادن احترام و وفاداری عملی، به متربیان می‌آموزد که تبعیت از ولی فقیه، تمرینی عملی برای اطاعت از امام معصوم علیه السلام و حفظ انسجام جامعه اسلامی است. این رفتار مربی روحیه مسئولیت‌پذیری و عمل به تکلیف در مسیر تحقق اهداف مهدوی را در او نهادینه می‌سازد. این اصل به طور خاص بر اطاعت و فهم جایگاه ولی فقیه تأکید دارد و بر اطاعت‌پذیری از حجت الهی در عصر غیبت تأکید می‌ورزد. بهره‌گیری از این اصول می‌تواند تربیت را به گونه‌ای رقم بزند که متربیان هم به لحاظ اعتقادی به ظهور منجی معتقد باشند، هم به لحاظ عملی خود را برای ایفای نقش در دوران غیبت و آمادگی برای دوران ظهور آماده کنند.

۵. ارتباط اهداف و اصول

چنان‌که گذشت اصول، گزاره‌های تجویزی («باید»ها و «نباید»ها) هستند که مسیر رسیدن از مبانی به اهداف را مشخص می‌کنند. در الگو باید میان مؤلفه‌ها ارتباط و انسجام وجود داشته باشد. در ادامه ارتباط بین اهداف و اصول تبیین شده است.

ارتباط با هدف معرفت امام عصر: اصل «معرفت امام به‌عنوان ولی» و اصل «شناخت حقیقت و عمل به آن»، چگونگی دستیابی به هدف «تحقق معرفت» را تبیین می‌کنند. این اصول مشخص می‌کنند که معرفت مطلوب، صرفاً شناخت شناسنامه‌ای نیست، بلکه شناخت امام به‌عنوان ولی امر واجب‌الاطاعه است.

ارتباط با هدف رابطه قلبی: اصل «توجه و توسل مستمر به حضرت» و اصل «توجه به عرضه اعمال»، راهکارهای عملی برای رسیدن به هدف «ایجاد رابطه قلبی» هستند. این اصول به مربی می‌آموزند که چگونه از طریق دعا و خودکنترلی ارتباط عاطفی خود با امام را تقویت کند.

ارتباط با هدف آمادگی همه‌جانبه: اصول «انتظار سازنده»، «آمادگی برای انجام وظیفه و اطاعت بی‌چون‌وچرا» و «لزوم آمادگی کامل برای یاری و جهاد»، ابعاد مختلف هدف «آمادگی» را روشن می‌سازند. این اصول، آمادگی را از یک مفهوم ذهنی به یک برنامه عملی که شامل کسب توانمندی‌های روحی، فکری و مادی است تبدیل می‌کنند.

ارتباط با هدف زمینه‌سازی: اصول «تلاش برای تحقق نزدیک‌ترین الگوی حکومت به حاکمیت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه» و «ضرورت تبعیت و اطاعت از ولی فقیه جامع‌الشرایط»، مسیر دستیابی به هدف «زمینه‌سازی برای حاکمیت عدل» را مشخص می‌کنند. این اصول، وظیفه سیاسی و اجتماعی منتظران را در عصر غیبت تبیین می‌کنند.

۶. روش‌ها

پس از تبیین اصول تربیت مهدوی، به بررسی روش‌ها می‌پردازیم. «روش» به راهکارها، شیوه‌ها و تدابیری گفته می‌شود که برای نیل به اهدافی عملی، مانند ایجاد تغییر مطلوب در رفتار، منش یا بینش فرد، اتخاذ می‌گردد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۴۴۶). بدین ترتیب، روش‌های تربیتی، ابزارها و مجاری تحقق اهداف تربیتی محسوب می‌شوند.

۶-۱. عبرت‌گیری و پندآموزی از تاریخ امت‌ها

این روش تربیتی، که ریشه در آیات قرآن کریم دارد، بر اهمیت مطالعه، تحلیل و تأمل در سرنوشت امت‌های گذشته در نحوه مواجهه آنان با وعده‌های الهی و فرستادگان الهی تأکید می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که هدف اساسی از این روش دانستن تاریخ نیست، بلکه عبرت‌گیری و پندآموزی است تا مربی با بصیرت نسبت به سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ، از تکرار خطاهای گذشتگان مصون بماند. در قالب یک استعاره می‌توان چنین گفت که در این روش، تاریخ مانند آزمایشگاهی است که در آن، نتایج پایبندی به حق یا انحراف از آن قابل مشاهده است.

این روش با اصل انتظار سازنده مرتبط است؛ چراکه با نشان دادن سرنوشت اقوامی که در ادعای انتظار خود صادق نبودند، مانند برخی از بنی‌اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام که با وجود انتظار منجی، پس از بعثت ایشان دچار تردید و نافرمانی شدند، یا گروهی از اهل کتاب که در آستانه ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منتظر ایشان بودند،

اما پس از بعثت، منافع خود را بر حقیقت ترجیح دادند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۸). به اصلاح انگیزه و رفتار منتظران در عصر حاضر کمک می‌کند.

مربی در استفاده از این روش باید فرازهای عبرت‌آموز تاریخ را انتخاب کرده و متریبان را به تفکر وادارد. مربی باید ذهن متریبان درباره عواملی که باعث انحراف آن امت شد، نقاط قوت و ضعف آنان در مواجهه با حجت الهی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین شرایط آنان و شرایط فعلی متریبان درگیر کند. این روش برای جلوگیری از افتادن در دام انتظارهای سطحی، شعاری و بی‌عمل مؤثر است و به منتظر کمک می‌کند تا از سرنوشت کسانی که به تعبیر روایات، پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام ممکن است به ایشان بگویند، ما به شما احتیاجی نداریم! برحذر باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۸).

۲-۶. دعا و درخواست از خداوند متعال برای تحقق آرمان‌های مهدوی

دعا رابطی میان انسان و خداوند، و راهی برای رفع مشکلات و دستیابی به حاجات دنیوی و اخروی است. «مبادا از توسل، توجه، دعا، زیارت و سایر وسایل نزدیکی به خداوند و اولیای والا مقام او غفلت کنیم! گاهی ممکن است یک کار کوچک، آن‌قدر لطیف و پرمعنا باشد که از عبادت‌های خیلی سنگین نیز اثرش بیشتر باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۸). در دعا هم برای تعجیل در فرج و استقرار دولت کریمه و هم برای سلامتی وجود مقدس امام عصر و همچنین برای کسب صلاحیت‌های فردی و اجتماعی لازم جهت درک و یاری ایشان، از خداوند متعال استمداد و یاری طلبیده می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که اگر «برای ظهورش دعا کنیم، فقط برای خودمان سازنده و تکامل‌آور است. حضرت مهدی علیه السلام به یقین، به دعا و صدقه ما یا اموالی که به نام او صرف می‌کنیم، نیازی ندارد؛ اما خودش فرمود که برای فرج من دعا کنید. دعا خواندن برای فرج امام زمان، فرج ما است: «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ». منتظر فرج امام زمان علیه السلام بودن، فرج‌ها و گشایش‌هایی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

مربی باید اهمیت و آداب دعا را به متریبان آموزش دهد و فلسفه و آثار آن را نیز تبیین کند. دعا برای امام زمان علیه السلام، در حقیقت، ابراز وفاداری، تجدید عهد و اعلام آمادگی برای خدمت در رکاب ایشان است. دعاها یاد امام را در دل‌ها زنده نگه داشته و متریبان را از غفلت نسبت به امام غایب خود باز می‌دارد. یکی از دعاهایی که باید مورد توجه باشد، این است که «از خداوند خواسته می‌شود که نیتی خالص، قلبی سلیم، صداقتی در گفتار و کردار، و حیاتی مرضی او و امام زمان علیه السلام به انسان عطا فرماید و توفیق انجام اعمالی که موجب خشنودی آن حضرت می‌شود و فهم آنچه برای پیمودن این مسیر لازم است، ولی مجهول مانده، نصیب گردد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶).

۳-۶. طلب زیارت و اشتیاق به ملاقات امام عصر علیه السلام

این روش، که می‌توان آن را مصداقی خاص از دعا دانست، بر ایجاد شوق قلبی و تلاش عملی برای کسب لیاقت و شایستگی ملاقات و بهره‌مندی مستقیم از فیض حضور امام عصر علیه السلام تأکید دارد. برای ارتباط با امام زمان علیه السلام دعاها و اذکار متعددی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به دعای ندبه، زیارت آل‌یاسین و دعای عهد اشاره کرد. همچنین دعاهایی نقل شده که در آنها توضیح داده شده است چه کارهایی باید انجام شود و چه دعاهایی باید خوانده شود تا امکان مشاهده امام زمان علیه السلام فراهم گردد.

اشتیاق به ملاقات، اگر صادقانه و از روی اخلاص باشد یک انگیزه قوی برای تهذیب نفس و پیمودن مسیر کمال تبدیل می‌شود. این طلب، اصل حفظ و تقویت رابطه قلبی و عملی با امام علیه السلام را از طریق ایجاد یک هدف معنوی والا و جذاب (یعنی لقاء امام) معنا می‌بخشد. با تکرار و تأمل در عباراتی نظیر «هَلْ إِلَيْكَ يَا بْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى؟... مَتَى نَرَانَا وَ نَرَاكَ؟» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷)، مربی تمنای قلبی خود برای دیدار را بر زبان جاری می‌کند و به این حقیقت نیز واقف می‌شود که چنین وصالی، مستلزم کسب آمادگی‌های روحی، فکری و عملی است.

نقش مربی در این زمینه، علاوه بر آشنا ساختن متربیان با این گونه ادعیه و مضامین، کمک به فهم صحیح معنای طلب زیارت است. این طلب نباید به یک آرزوی صرف و بدون پشتوانه عملی تقلیل پیدا کند. بلکه باید مربی توجیه شود که راه یافتن به سوی امام علیه السلام و لایق شدن برای نظر ایشان، از طریق مجاهده با نفس، کسب فضائل اخلاقی و خدمت به آرمان‌های مهدوی قابل تحقق است. امید به زیارت و لقاء، سختی‌های مسیر انتظار را برای منتظر آسان‌تر می‌کند. این اشتیاق، اگر با معرفت همراه شود، می‌تواند مربی را از بسیاری گناهان باز دارد؛ چراکه او همواره خود را در محضر امامی می‌بیند که آرزوی دیدارش را در سر دارد.

۴-۶. تمرین مسئولیت‌پذیری در عصر غیبت

از آنجاکه یکی از اصول اساسی در تربیت مهدوی، انتظار سازنده و تکلیف‌مداری در دوران غیبت است، روش تمرین مسئولیت‌پذیری جایگاهی ویژه در میان روش‌های تربیتی دارد. این روش برای تربیت افرادی متعهد، اهل وظیفه، و آگاه به نقش خود در جامعه دینی اجرا می‌شود. در عصر غیبت، مؤمن منتظر هم باید از نظر معرفتی و هم از نظر عملی آمادگی لازم را برای یاری امام زمان علیه السلام کسب کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳). یکی از مؤثرترین راه‌ها برای رسیدن به این آمادگی، تمرین مسئولیت‌پذیری از سنین پایین است. سپردن وظایف مشخص به مربی در خانه، مدرسه و مسجد اولین گام‌های عملی در این زمینه است.

نکته مهم در این روش ارتباط بین انجام مسئولیت‌ها و نیت مهدوی است. به این معنا که باید آموزش به

گونه‌ای باشد که هر مسئولیتی با نیت رضای الهی و خدمت به مسیر ظهور انجام شود. در این صورت، زندگی روزمره به میدان تمرین برای یاری امام تبدیل می‌شود.

۷. ارتباط بین روش‌ها با مبانی، اهداف و اصول

هر روش، یک یا چند اصل را محقق ساخته و به یک یا چند هدف خدمت می‌کند و ریشه در مبانی دارد. **روش «عبرت‌گیری از تاریخ امت‌ها»:** این روش، اصل «انتظار سازنده» را عملیاتی می‌کند. با تحلیل سرنوشت اقوام گذشته (که ریشه در مبنای باور به سنت‌های الهی دارد)، به مرتبی کمک می‌کند تا از انتظارهای انفعالی پرهیز کرده و به هدف «آمادگی همه‌جانبه» نزدیک شود.

روش «دعا و درخواست از خداوند»: این روش اصل «توجه و توسل مستمر به حضرت» را محقق می‌سازد. این عمل، که بر مبنای «امام به‌عنوان مجرای فیض» استوار است، به هدف «ایجاد رابطه قلبی و شوق به امام» کمک می‌کند.

روش «طلب زیارت و اشتیاق به ملاقات»: این روش نیز مانند دعا، اصل «توجه و توسل» را پیاده‌سازی کرده و با ایجاد انگیزه معنوی قوی، به هدف «ایجاد رابطه قلبی» و همچنین تهذیب نفس برای رسیدن به هدف «آمادگی برای اطاعت محض» یاری می‌رساند.

روش «عمل به تکالیف دینی و دعوت دیگران به آن»: این روش، اصولی مانند «شناخت حقیقت و عمل به آن» و «تکلیف‌مداری» را به عرصه عمل می‌آورد. این روش که مبتنی بر مبانی کلیدی دین (مانند تکلیف‌گرایی) است، هم به هدف آمادگی فردی (تهذیب نفس) و هم به هدف زمینه‌سازی اجتماعی خدمت می‌کند.

روش «تمرین مسئولیت‌پذیری در عصر غیبت»: این روش به طور مستقیم اصول «لزوم آمادگی همه‌جانبه» و «تبعیت از ولی فقیه» را پیاده‌سازی می‌کند. این روش که از مبنای «ولایت فقیه» و «غیبت» نشئت می‌گیرد، مرتبی را برای رسیدن به هدف «آمادگی برای یاری امام» و «زمینه‌سازی برای حکومت عدل» آماده می‌سازد به‌طور خلاصه، این مؤلفه‌ها یک زنجیره منسجم را تشکیل می‌دهند: مبانی، چرایی و بنیادهای فکری را مشخص می‌کنند؛ اهداف، نقطه مطلوب نهایی را ترسیم می‌کنند؛ اصول، قواعد کلی حرکت به سوی اهداف را تعیین می‌کنند؛ و روش‌ها، اقدامات عملی برای اجرای آن قواعد و رسیدن به آن اهداف هستند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف استخراج و تدوین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های «تربیت مهدوی» بر اساس آراء و اندیشه‌های علامه مصباح یزدی به انجام رسید. از نتایج مهم این تحقیق آن است که «انتظار» را از یک حالت انفعالی و فردی، به یک «کنش فعال، مسئولانه و زمینه‌ساز» تبدیل می‌کند. این تحول مبتنی بر مبانی مستحکمی

است که امام زمان علیه السلام را فقط یک منجی در آینده عنوان نمی‌کند، بلکه به‌عنوان یک «حجت حاضر، ناظر و مجرای فیض الهی» در متن زندگی امروز معرفی می‌کند. این نگاه، مربی را به خودسازی و مراقبه دائمی هدایت می‌کند؛ چراکه او همواره خود را در محضر امامی آگاه و مهربان می‌بیند.

ویژگی دیگر این دیدگاه، در پیوند نظام‌مند میان سه حوزه «خودسازی فردی»، «ارتباط معنوی با امام» و «مسئولیت اجتماعی - سیاسی» است. درحالی‌که در برخی از رویکردها بر یکی از این ابعاد متمرکز هستند، دیدگاه علامه مصباح یزدی این سه را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند. هدف غایی، یعنی تربیت «منتظر حقیقی»، تنها زمانی محقق می‌شود که فرد علاوه بر کسب معرفت و ایجاد رابطه قلبی از طریق دعا و توسل، خود را برای اطاعت محض و فداکاری آماده کرده و در عرصه عمل اجتماعی، برای تحقق نزدیک‌ترین نمونه به حکومت مهدوی، یعنی حمایت از نظام مبتنی بر ولایت فقیه تلاش کند. این نگاه جامع تربیت مهدوی را به یک برنامه کامل برای زندگی تبدیل می‌کند. این پژوهش با ارائه اصولی همچون انتظار سازنده، شناخت حقیقت و عمل به آن، توجه به عرض‌الاعمال، آمادگی برای انجام وظیفه و اطاعت بی‌چون‌وچرا، تلاش برای تحقق نزدیک‌ترین الگوی حکومت به حاکمیت امام زمان علیه السلام و روش‌های مشخصی، مانند «تکلیف‌مداری»، «عبرت از تاریخ» و «تمرین مسئولیت‌پذیری»، ظرفیت مناسبی برای طراحی برنامه‌های فرهنگی و راهنمای عمل خانواده‌ها دارد. یافته‌های پژوهش مانند یک چارچوب نظری، از یک سو مانع ترویج انتظارات بی‌عمل و از سوی دیگر، مانعی در برابر جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین شود. در نهایت، تربیت مهدوی از منظر علامه مصباح یزدی، فرایند رشد و ترقی انسان برای رسیدن به جایگاهی است که مشتاق ظهور باشد و خود را لایق و آماده یاری امام عصر ساخته و دوران غیبت را به فرصتی برای مجاهده، رشد و زمینه‌سازی تبدیل کند.

منابع

- اسفندیاری، سمانه (۱۳۹۷). تحلیل محتوای بخش مهدویت کتب هدیه‌های آسمان مقطع ابتدایی از لحاظ اصول طراحی پیام آموزشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- اعرافی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۵). فقه تربیتی. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- امینی، محمد و همکاران (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت. اسلام و روان‌شناسی، ۱۰، ۲۶-۲۷.
- انصاری، مریم و قلمکاریان، سیدمحمد (۱۴۰۱). نقش تربیت مهدوی در پرورش روحیه انتظار دانش‌آموزان از نظر معلمان. عصر آدینه، ۳۶، ۱۳۳-۱۴۹.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۲). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران. تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- بقایی، حسن و همکاران (۱۳۹۲). الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور. مشرق موعود، ۲۶، ۸۹-۱۶۵.
- بنده‌کریم، قدسی (۱۳۹۲). عوامل تأثیرگذار بر تربیت مهدوی. در: همایش بین‌المللی دکنترین مهدویت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۳). اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۲). انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه. قم: قیام.
- حیدری کاشانی، محمدباقر و آقاپهرانی، مرتضی (۱۳۹۳). خانواده و تربیت مهدوی. تهران: کتاب یوسف.
- داودی، محمد و همکاران (۱۳۹۹). فلسفه‌های تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی. تهران: سمت.
- رجبی، محمود (۱۳۸۰). انسان‌شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۲). جست‌وجوی راهبردهای زمینه‌ساز تربیت مهدوی در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش. در: همایش بین‌المللی دکنترین مهدویت.
- رهنمایی، سیداحمد (۱۳۹۴). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات و قاضی، مرضیه (۱۳۹۳). مهدویت و دلالت‌های تربیتی آن (به لحاظ تنظیم اهداف، اصول و روش‌ها). پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ۲(۹)، ۱۰۱-۱۲۸.
- عبدالرحمان، شهرزاد و همکاران (۱۳۹۹). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی از منظر توجه به مسئله مهدویت. پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲۲(۳)، ۲۴-۳۰.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحار‌الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). ره توشه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷). نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). سفر به سرزمین هزار آیین. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). بر درگاه دوست. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). در پرتو ولایت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آفتاب ولایت. چ چهارم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). سجاده‌های سلوک. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). در جستجوی عرفان اسلامی. چ هفتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). بیست گفتار. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

میرجلیلی، سیدمحمدعلی (۱۴۰۰). واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد مرتضی مطهری. انتظار موعود، ۷۴.

۷۱-۹۶.

همتیان، هادی، همتیان، مهدی (۱۴۰۲). بررسی تأثیر مبانی انسان‌شناختی اسلامی بر نظام تربیتی اسلام در اندیشه علامه

مصباح یزدی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۱، ۷-۳۲.